

## گزارش «شهروند» از جنجالی‌ترین گروگانگیری پایتخت در خیابان آجودانیه

# داستان «شیر غران» و نقشه‌اش برای اصلاح اقتصاد

**سیمافراهانی** | «با ما باشید با تماشای آنلاین عملیات‌های انتقام خونین از زالوهای سرمایه‌دار که خون مردم را در شیشه کرده‌اند.» شیر غران پایتخت، پیچ اینستاگرامی‌اش را با همین جمله راه انداخته است. این آغاز فعالیتش بود و البته پایانش؛ می‌خواست به تنهایی مشکلات اقتصادی کشور را حل کند. قصد داشت از ثروتمندان بدزد و به فقرا ببخشد تا اینگونه همه به طور یکسان زندگی کنند. تصور می‌کرد که برای اینکار فقط یک اسلحه، ۱۰۰ تیر جنگی و یک پیچ اینستاگرامی کافی است. همسرش را برداشت و به سراغ اولین قربانی‌اش رفت. می‌خواست علاوه بر سرقت، با تهدید و زور یک لایو اینستاگرامی هم داشته باشد تا همه مردم از این اقدام او مطلع شوند. قصد داشت در لایو اینستاگرامی‌اش مردم را از وجود به قول خودش زالوهای مرفه و ستمگر با خبر کند. فرق قائل شده است بین ثروتمندان مفید و ثروتمندان گرگ؛ آخرین حرفش به آنها این بود که راه فراری ندارند، اما خودش درین بست گیر کرد و در تله ماموران پلیس گرفتار شد. آن هم درست پس از آنکه به سراغ اولین قربانی‌اش در آجودانیه رفت. خانواده‌های یک آپارتمان را گروگان گرفت و فریاد زنان حتی به سمت ماموران پلیس هم شلیک کرد. ولی خودش زمینگیر و در جدال با ماموران، بازنده شد.

### دقایق دلهره‌آور در آجودانیه

او این پیچ را ساخت و این متن را هم منتشر کرد. پس از آن به سراغ گروگان‌هایش رفت. این اتفاق ساعت پنج بعد از ظهر روز سه شنبه رخ داد. ماجرا از این قرار بود که در آن ساعت ماموران کلانتری ۱۶۴ خردوی ۲۰۶ شدند. آنها به این خودرودستور ایست دادند، اما راننده خودرو به دستور پلیس توجه نکرده و اقدام به فرار و همچنین تیراندازی به سمت پلیس کرد. در ادامه این تعقیب و گریز خودروی متهمان وارد منطقه آجودانیه شد. پس از ورود به کوچه‌ای بن بست وارد یک آپارتمان شد. متهمان در ابتدا با یکی از همسایه‌ها که در راهرو بوده درگیر شدند. در ادامه به طبقه پنجم ساختمان رفته و با شکستن در واحد مسکونی در این طبقه وارد خانه یکی از ساکنان شدند. سه نفر از اهالی این آپارتمان شامل زن، مرد و دختر خانواده را به گروگان گرفتند.

سردار رحیمی، رئیس پلیس پایتخت با اشاره به اینکه به محض اطلاع از حادثه گروگانگیری سریعاً تمهیدات لازم با همکاری تیم‌های نوپو، پلیس آگاهی و پلیس پیشگیری انجام شد، گفت: «با توجه به اهمیت موضوع من سریعاً در محل حضور پیدا کرده و از نزدیک فرماندهی و کنترل عملیات را در دست گرفتم.»

### مذاکره با گروگانگیر

سردار رحیمی با اشاره به انجام گفت‌وگو و مذاکره با گروگانگیرها افزود: «با استفاده از گروه‌های گروگان در نهایت عملیات ویژه و برق‌آسای گروه نوپو انجام و در چند دقیقه گروگانگیرها دستگیر و خلع سلاح شدند و گروگان‌ها را نجات دادیم.» او با اشاره به اینکه گروگان‌ها در کمال صحت و سلامت هستند و هیچ‌گونه آسیبی به آنها وارد نشده، گفت: «گروگانگیرها برای انجام تحقیقات در اختیار پلیس هستند.» سردار رحیمی با اشاره به حضور معاون دادستان تهران و سرپرست دادسرای ناحیه یک، بیان داشت: «با هماهنگی دستگاه قضا با افرادی که به دنبال به چالش کشیدن امنیت شهر و شهروندان هستند برخورد جدی خواهد شد.»



## صحبت‌های عجیب گروگانگیر تحصیل‌کرده

متهم که حال دستگیر شده است پس از اعتراف به جرم خود، در گفت‌وگو با «شهروند» صحبت‌های عجیبی را در خصوص این اقدام هولناکش مطرح کرد:

### قصدت از این گروگانگیری چه بود؟

می‌خواستم اقتصاد جامعه را اصلاح کنم. جامعه پر شده است از آنهایی که یک شبه پولدار می‌شوند. این افراد ضربه بزرگی به اوضاع مالی مردم جامعه می‌زنند. می‌خواستم سراغ آنهایی بروم که ثروتشان را از طریق نامشروع بدست آورده‌اند. می‌خواستم این افراد را به جامعه معرفی کنم. از آنها لایو بگیرم تا همه متوجه شوند که اینها پولشان را از کجا بدست می‌آورند.

### فقط همین نیت را داشتی؟

قصد داشتم پول هایشان را بگیرم و به فقرا بدهم تا اینگونه توازن بین همه در جامعه برقرار شود. می‌خواستم مشکلات اقتصادی مردم را حل کنم.

### بازدنی و گروگانگیری؟

اگر این افراد ثروتمند نبودند، مشکلات بسیاری از مردم جامعه حل می‌شد. مثلاً بعضی از آنها دلار می‌خرند و نگه می‌دارند. همین مسأله باعث می‌شد که دلار گران شود و ضربه بزرگ اقتصادی پیش بیاید. باید همه در شرایط اقتصادی یکسان باشند. من هم راه دیگری جز این به ذهنم نرسید.

### نقشه‌ات را چطور اجرا کردی؟

از چندین ماه پیش این فکر به سرم زده بود. تا اینکه یک ماه قبل از طریق اینستاگرام یک اسلحه کلت کمتری و ۱۰۰ تیر جنگی به مبلغ ۲۴ میلیون تومان خریدم. دو هفته قبل هم پیچ اینستاگرامی‌ام را راه‌اندازی کردم تا از این طریق مردم را از این مسأله با خبر کنم. با اسلحه به همان ساختمانی رفتم که خاله‌ام آنجا زندگی می‌کرد.

### وحشت همسایه‌ها

یکی از گروگان‌ها درباره روایت آنچه دیده بود، می‌گوید: «من با همسر و پسر کوچکم داشتیم از آپارتمان بیرون می‌آمدیم. در پارکینگ را که باز کردیم ناگهان خودروی ۲۰۶ داخل آمد. یک زن و شوهر بودند. مرد جوان با اسلحه ما را تهدید کرد

و گفت حق ندارید حرف بزنید یا سروصدا کنید. ما یک دختر جوان و پسر خردسال داریم. گفتیم اینکار را نکنید، التماس کردیم ما را رها کنید. آنها هم مرتب می‌گفتند تکان نخورید و ساکت باشید. همزمان همسایه طبقه اول که یک زن و شوهر میانسال هستند، پایین آمدند. گروگانگیر همه ما را با هم به داخل خانه برد. بعد متوجه شد یک خانواده دیگر طبقه بالان زندگی می‌کنند. از آن طرف هم گویا مامورانی که در تعقیب این خودرو بودند به آنجا رسیدند ولی نمی‌دانستند که آنها به کدام خانه آمده‌اند. آنها داشتند در آن اطراف جست‌وجو می‌کردند. مرد گروگانگیر وقتی فهمید همسایه طبقه بالایی خانه هستند، می‌خواستند آن خانواده را هم پایین بیاورد و همه ما را با هم گروگان بگیرد. ولی آنها زودتر به پلیس خبر داده بودند. زن سارق وقتی فهمید به پلیس خبر دادند به گفته شوهرش از خانه بیرون زد و یکی از زنان ساختمان را هم همراهش برد. همزمان وقتی می‌خواست از پارکینگ بیرون برود، پلیس آنها را دید. گروگان هم داد و فریاد به راه انداخت. پلیس برای دستگیری این زن شلیک کرد و در نهایت کمی آن طرف‌تر او را دستگیر کرده بود. وقتی صدای تیراندازی آمد، سارق عصبانی شد. فریاد می‌زد که زنم را کشتند، من هم شما را بدبخت می‌کنم.»

### خلع سلاح مجرم

شاکی ادامه داد: «او از خانه بیرون رفت و در راهرو به سمت ماموران تیراندازی می‌کرد. ماموران هم

### یعنی می‌خواستی از خاله‌ات سرقت کنی؟

نه. خاله‌ام با اینکه در آجودانیه زندگی می‌کرد، ولی وضع مالی‌اش آنقدر خوب نبود، اما چون در خانه‌اش رفت و آمد زیادی داشتم، فهمیدم یکی از همسایه‌هایشان از طریق نامشروع پولدار شده است. می‌خواستم به سراغ او بروم اما در نقشه‌ام ناکام ماندم.

### قصد کشتن و آسیب رساندن هم داشتی؟

نه من اصلاً به کسی آسیبی نرساندم. حتی وقتی همسایه‌ها را گروگان گرفتم، هیچکس آسیب ندید. قصد داشتم وقتی آنها را گروگان گرفتم، در لایو اینستاگرامی از آنها اعتراف بگیرم که چطور پولدار شده‌اند. بعد پولشان را سرقت کنم و به فقرا بدهم تا توازن مالی ایجاد شود. من هدف‌های زیادی داشتم اما دستگیر شدم.

### همسرت را چطور وارد این نقشه کردی؟

او هم با من موافق بود و می‌دانست که نیتم خیر است. برای همین از همان اول قبول کرد که با من همراه شود. روز حادثه فرزندم را به خانه مادر زخم بردم. حتی او هم می‌دانست که قرار است چکار کنم. ولی چون می‌دانست نمی‌تواند موانع کند، مخالفتی نکرد.

### تحصیلات داری؟

دانشجوی فوق لیسانس مدیریت هستم. فقط دفاع از پایان‌نامه‌ام مانده تا مدرک را بگیرم. لیسانس نرم‌افزار کامپیوتر هم دارم.

### شغل‌ت چه بود؟

من مسئول فنی شرکت‌های خصوصی و دولتی زیادی بودم. حتی کارهای پژوهشی بسیاری هم انجام داده‌ام.

### شوهرم می‌خواست حق طلبی کند

همسر متهم نیز تحصیل‌کرده است. او هم مثل شوهرش معتقد است که باید حق فقرا را از ثروتمندان گرفته شود. او چون حرف‌های شوهرش را قبول داشت، تصمیم گرفت با او همراه شود. او درباره این موضوع می‌گوید: «یک دختر دوساله و یک پسر هشت‌ساله دارم. مدت‌ها بود که شوهرم می‌خواست حق فقرا را از ثروتمندانی که از راه نامشروع پول بدست می‌آورند، بگیرد. شوهرم می‌خواست بگوید که جامعه، ظالم زیاد دارد و به همراه همین افراد ظالم است که مردم مشکلات مالی دارند و گرنه هیچکس فقیر نیست. او می‌خواست بگوید که بعضی از پول‌ها در جامعه نزد این افراد ظالم بلوکه می‌شود. برای همین است که مردم فقیر می‌شوند. می‌خواست حق طلبی کند و به داد مردم برسد. او نمی‌خواست به کسی آسیب برساند. نیتش خیر بود چون مردم را دوست دارد. چون می‌دانستم نیتش خیر است با او همراه شدم و به خانه خاله شوهرم رفتم. ولی پلیس ما را گیر انداخت.»

